



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بجثمان در موانع ارث بود، کفر و قتل و تولد از زنا را مورد بحث قرار دادیم و اما یکی دیگر از موانع ارث لعان است که چون مورد ابتلاء نیست لذا از آن بحث نمی کنیم.

بحث دیگر در مورد حمل می باشد به این بیان که کسی از دنیا رفته ولی بچه ای در شکم مادر است حالا می خواهیم بدانیم این حمل با چه شرایطی از این شخص ارث می برد.

کلام امام رضوان الله علیه را می خوانیم، ایشان می فرمایند: «الأول الحمل ما دام حملاً لا يرث وإن علم حياته في بطن أمه، ولكن يجب من كان متأخراً عنه في المرتبة (مثلاً حمل در شکم، فرزند ابوی است که در این صورت حاجب فرزند اُمی یا فرزند اُمی به تنهایی می باشد) أو في الطبقة (مثلاً حمل در شکم حاجب برادران میت یا عمو یا خاله میت است)، فلو كان للميت حمل وله أحفاد (نوه) وإخوة يجوبون عن الإرث ولم يعطوا شيئاً حتى تبين الحال، فإن سقط حياً اختص به، وإن سقط ميتاً يرثوا.»^۱

فرع دوم: «مسألة ۵ : الحمل يرث ويورث لو انفصل حياً وإن مات من ساعته، فلو علم حياته بعد انفصاله فمات بعده يرث ويورث، ولا يعتبر في ذلك (خلافاً للعامة) الصياح (صیحه زدن و گریه کردن) بعد السقوط لو علم سقوطه حياً بالحركة البينة وغيرهما.»^۲

فرع سوم: «مسألة ۶ : لا يشترط ولوج الروح فيه حين موت المورث، بل يكفي انعقاد نطفته حينه (موت المورث)، فإذا مات شخص وتبين الحمل في زوجته بعد موته وكان بحيث يلحق به شرعاً يرثه لو انفصل حياً.»^۳

محقق در شرایع اینطور می فرماید: «الثالث الحمل : يرث بشرط انفصاله حياً و لو سقط ميتاً لم يكن له نصيب . و لو مات بعد وجوده حياً كان نصيبه لوارثه . و لو سقط بجنابة اعتبر بالحركة التي لا تصدر إلا من حي دون التقلص (هرجسمی وقتی از محیط گرم به محیط سرد برسد أو بالعكس یک حرکتی می کند) الذي يحصل طبعاً لا اختياراً.»^۴

بین ما و عامه در این مسئله اختلاف نظر وجود دارد لذا شیخ طوسی در خلاف اینطور می فرماید: «مسألة ۱۲۴: المولود إذا علم أنه حي حين ولادته بصياح (گریه کردن) أو حركة أو اختلاج (باز و بسته کردن چشم) أو عطاس بعد أن يتبين حياته فإنه يرث.

و به قال الحسن، و الأوزاعي، و الشافعي، و الثوري، و أبو حنيفة و أصحابه، و أهل العراق، الا أن من قول أبي حنيفة، و أبي يوسف، و محمد، و زفر، و الحسن بن صالح بن حي: أن المولود إذا خرج أكثره من الرحم و علم حياته، ثم خرج جميعه و هو ميت فإنه يرث و يورث منه.

و كان مالك، و أبو سلمة بن عبد الرحمن، و النخعي لا يورثون المولود حتى يسمع صوته.

^۳ تحرير الوسيطة، امام خميني، ج ۲، صفحه ۳۷۱، مسئله ۶.

^۴ شرايع، محقق حلي، ج ۴، ص ۱۰، ط اسماعيليان.

^۱ تحرير الوسيطة، امام خميني (ره)، ج ۲، صفحه ۳۷۱.

^۲ تحرير الوسيطة، امام خميني، ج ۲، صفحه ۳۷۱، مسئله ۵.

دلیلنا: إجماع الفرقة و أخبارهم ، و قوله ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾^۵ ، و لم يفصل (لذا حمل نیز با شرایطی که عرض شد ارث می برد).^۶

خب و اما بعد از اینکه مشخص شد حمل ارث می برد حالا باید ببینیم اگر وراثت بخوانند قبل از به دنیا آمدنش ترکه را تقسیم کنند چه مقداری باید برای او سهم کنار بگذارند؟.

۹ فرض در اینجا متصور می شود:

۱: مذکر واحد

۲: مونث واحد

۳: خنثی واحد

۴: دو مذکر

۵: دو مونث

۶: دو خنثی

۷: یک مذکر و یک مونث

۸: یک مذکر و یک خنثی

۹: یک مونث و یک خنثی.

این ۹ فرض متصور شده که در میان آنها ذکرین بیشترین فرض می باشد لذا فقهاء ما فرمودند دو سهم پسر برای حمل در نظر گرفته می شود و بعد بقیه ترکه بین وراثت تقسیم می شود.

خب و اما اخباری که بر این مطالب دلالت دارند در صفحه ۵۸۶ از جلد ۱۷ وسائل الشیعة و در باب ۷ از ابواب میراث ذکر شده اند که مطالعه کنید تا فردا بحث را ادامه بدهیم إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

^۵ سوره نساء، آیه ۱۱.

^۶ الخلاف، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۱۱۲.